

نگاهی به برخی از رساله‌های دینی حزین لاهیجی

جاوید اختر*

محمد علی بن ابی طالب حزین لاهیجی (۱۱۸۰-۱۱۰۳ هـ) از آن جمله نویسندگان است که با وجود قریحه و مهارت و استعداد چشمگیری، سزاوار شهرت کماحقه نشد. هرچند که صاحبان ذوق از نام و کارنامه‌های او واقفاند، اما بیشتر از حیث یک شاعر، درحالی که حزین علاوه از یک شاعر در علوم متداوله نیز دست داشت و آثار دینی و امی نشان‌دهنده این حقیقت است که او یکی از معدود نوادر و نوابغ اندیشمندان جهان اسلام بود که نه فقط بر علوم دینی مانند تفسیر، فقه، اصول و غیره دست داشت، بلکه در زمینه فلسفه، منطق، تاریخ، انساب، پزشکی و حتی در علوم طبیعی تبخّر خاصی داشت و در تمام آنها آثاری بر جای گذاشته است.

از این رو معرفت شخصیت حزین لاهیجی به حیث یک دانشمند اسلامی، وامی است بر گردن ما. بنابراین بنده برخی از رساله‌های مذهبی وی را مورد معرفی قرار داده‌ام.

۱- شجرة الطور فی شرح آية النور

رساله‌ای است که به تقاضای یکی از سالکان سبیل‌العرفان، به عربی نوشته است. این رساله مختصر در تفسیر آیه کریمه ۳۵ سوره نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجٍ الزُّجَاجُ كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ

* دانشجوی فوق لیسانس، مرکز فارسی و آسیای مرکزی، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی.

الْأَمَثَلُ لِلنَّاسِ ۖ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۰﴾ است. در این رساله مصنف سعی نموده است که به اختصار مدعای خود را بیان کند، چنانکه خود می‌گوید:

”و سلکت فیہ مسلک الایجاز لاختیاری لبّ الحقیقة علی المجاز.“

شیوه او در تفسیرنویسی به نسبت حدیث و اثر و اقوال مفسرین پیشین به فلسفه و منطق گرایش زیادی دارد، و آنچه که در تفسیر وی بیش از همه توجه را جلب می‌کند تمایل وی به تصوف و عرفان است که نشانگر این حقیقت است که نه فقط به «وحدت الوجود» قایل بود بلکه سعی در اثبات آن از قرآن نیز نموده است، چنانکه در تفسیر «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» می‌نویسد:

”الله ظاهر فی السماوات و الارض وما فیها وما بینهما بذاته و وجوده.“

و جای دیگر می‌نویسد:

”و منه تعالی فاض وجودها، فهو الوجود البهت المطلق.“

و جایی چنین رقمطراز است:

”فاذا كان المراد بالنور هو الموجود البهت.“

به‌رحال این رساله نه فقط نماد آن است که او در تفسیر دست عمیقی داشت بلکه نشان‌دهنده این حقیقت نیز است که نگاه او بر علوم عقلیه و تصوف و عرفان خیلی ژرف است.

۲- مرآة الله فی شرح آیه «شهدالله»

این نیز رساله‌ای است کوتاه به زبان عربی به تقاضای شخصی که از آیه شهاده «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»^۱ از وی استفسار کرده بود.

در تفسیر آیت نیز گرایش وی به تصوف و عرفان نمایان است و مسئله دیگر عرفان «فنا فی الله» را ضمن تفسیر آیه تذکر نموده است. چنانکه می‌نویسد:

”و قوله: «وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» الآیة، اشارة الى أن اقرار اهل العلم بهذه الشهادة إنما هو بفنائهم عن أنفسهم و بقائهم برئهم.“

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۸.

و جایی دیگر می‌نویسد:

”ولهذه الدلالة أكده بقوله: (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) الى حين شهادة هؤلاء ليس شئ سوى الله و شهادته“.

در ضمن تفسیر این آیه، آیه معروف
«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۱ نیز ذکر نموده
و گفته است:

”و قوله «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»
اشاره الى مقام فناء اولی العلم و وهوالفنا
فی الفناء“

و در آخر بر ندرت و جودت تفسیر
خود این‌طور اشاره نموده است:

”فتبصر فإن هذا التفسير قلما يوجد في كتاب او دفتر“.

آنچه که در تفسیر وی بیش از همه توجه
را جلب می‌کند تمایل وی به تصوف و
عرفان است که نشانگر این حقیقت است
که نه فقط به «وحدت الوجود» قایل بود
بلکه سعی در اثبات آن از قرآن نیز نموده
است.

۳- رساله در بشاراتی بر ظهور حضرت خاتم الانبیاء از کتب آسمانی

چنانکه از عنوان ظاهر است، رساله‌ای است درباره خبرها و مؤده‌های مذکور در کتاب‌های آسمانی در مورد ظهور پیغامبر ما، به فارسی. در ضمن سبب تألیف این رساله مصنف عبارتی نوشته است که بر وسعت مطالعه و اطلاعات پهنای وی به خصوص نسبت به فرقه‌های اهل کتاب و کتاب‌های آنان، دلیل باهر است. چنانکه می‌نویسد:

”و لیکن چون ما را در اوایل شباب که اوان قوت نظر و توفیق اشتغال به تحصیل علوم، و تصنع و تدبر در آثار و اقوال هر قوم و به مساعدت وقت به قدر وسع اطلاع بر کسب و اقوال اکثر طوایف، خصوصاً فرق ثلاثه اهل کتاب حاصل شده و مطالعه تورات و انجیل و زبور و کتاب اشعیا و باقی صحف و کتب ایشان اصلاً و ترجمه از نسخ متعدده معتبره هر یک از فرق ثلاثه میسر گردیده و با بسیاری از علماء احبار و اذکیای اعلام ایشان مدت‌ها اتفاق

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

صحبت‌های مستوفی خالی از کتمان که دیگری را از اقران ما کمتر میسر تواند آمد، شده بود.

در این رساله مصنف فاضل اطلاعات خود را پیرامون بشارت‌های در مورد ظهور پیغامبر ما، تحت چهار بخش در رشته تحریر آورده است که به‌قرار زیر است:

- ۱- عنوان: در این بخش دلائل قرآن را نسبت به ذکر و بشارت و رسالت آنحضرت در کتاب‌های اهل کتاب، ذکر نموده است؛
- ۲- اشاره اولی: در ذکر بعض بشارت که در تورات وارد شده؛
- ۳- اشاره ثانی: در ذکر بشارتی که در انجیل وارد و مسلم علماء نصارا است؛
- ۴- اشاره ثالثه: در ذکر چند بشارت دیگر از سایر کتب؛
- ۵- ختام: درباره بیان تحریف و حذف و اسقاط و تبدیل کتب اهل کتاب است.

۴- رساله اوزان و مقادیر

رساله‌ای است مختصر به فارسی درباره مقدار وزن‌ها و پیمان‌های شرعی مانند مثقال و صاع و مد و رطل و غیره. مصنف در این رساله با کمال ایجاز اما به‌طور جامع درباره اوزان شرعی و عرفی و نصاب طلا و نقره و غلات و غیره بیان نموده است. ارزش این رساله به‌همین عبارت مصنف واضح است که می‌نویسد:

”چون قدر مقدار هریک از مثقال و دینار و درهم و صاع و مد و رطل، پیوسته در خواطر نمی‌ماند و اکثر اوقات جهت تحقیق هریک، مدتی به‌حساب نمودن و فکر کردن مشغول می‌باید شد، بناء علیه، در ورود این فقیر به‌خراسان - حفت بالامان - جمعی از متدینین التماس نمودند که تجدید و تحقیق هریک در وریقات قلیله تلفیق شود، لهذا آنچه از صحاح شارعین صلوات‌الله علیهم اجمعین و کتب اصحاب رضوان‌الله علیهم، تحقیق نموده و مکرر به‌حساب هریک رجوع شده و خاطر، اطمینان یافته، بر سبیل اختصار به فارسی بیان می‌شود که قدر نصاب «نقدین» و «غلات اربعه»، و «قدر کر» و «مهر سنت» و غیر ذلک مجملاً ظاهر شده، همه کس بهره‌ور گردد.“

علاوه بر این چهار رساله که کاملاً دارای رنگ مذهبی‌اند دو رسالهٔ دیگر نیز بر بنای بعضی مضمولات خود سزاوار ذکراند.

یکی رسالهٔ «المذاکرات فی المحاضرات» است که در فنّ مجادله و مناظره به‌خامهٔ محمد حزین لاهیجی به‌رشتهٔ تحریر درآمده است.

مصنّف در این رساله پس از مقدمه‌ای طولانی در اهمیّت و فواید زبان، به‌اجمال برخی از مباحث لغوی را مطرح کرده و سپس به‌علمی اشاره نموده که فراگیری آنها برای مناظر ضروری است و در این بین بر نقش منطق و جایگاه آن در مناظره تأکید نموده است.

اما جاذب‌ترین قسمت این رساله بخش پایانی است که مشتمل است بر بیان برخی از فواید متفرقه از حکم و امثال و نکات و کلمات بلغا و اجوبهٔ مسکته و حکایات و ظرایف و نوادر اقوال که محاور را به‌آن حاجت می‌افتد و قلوب را انس و بصیرت افزایش دهد.

و دوّم رسالهٔ «خواص الحیوانات» است که بر اطلاعات پهنای او دربارهٔ حیوانات انواع آنها و خواص طبّی و احکام فقهی آنها، دلیل باهر است.

مصنّف در این رسالهٔ مبسوط در دو فصل نخستین در احکام صید و ذباحت گفتگو کرده است و سپس ذکر بعضی از جانوران برّی و بحری و خواص آنها نموده است که حدوداً مشتمل بر پنجاه صفحه است. علاوه بر ذکر انواع و خواص دارویی آنها در پایان ذکر هر جانور، احکام فقهی آنها نیز از نظر مذهب چهارگانهٔ اهل سنت و امامیه، بیان کرده است.

الغرض آنچه که ذکر شد، دلیل باهر و نشانگر آن است که علامهٔ ذوفنون شیخ محمد علی حزین لاهیجی برخلاف آنچه که بدان اشتهار دارد، شاعر محض نبود بلکه در زمینهٔ فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، منطق، اخلاق، پزشکی و غیره اطلاعات چشمگیری داشت و چنانکه در ابتدا ذکر کردم. در تمامی آنها از خود اثری برجای گذاشته است. این چند رساله که ذکر شد فقط «به‌طور مشتی نمونه از خروار» است. بسیاری از رساله‌های او تا هنوز تصحیح و چاپ نشده است، و از نگاه مردم پنهان است.

در پایان این مقاله از سازمان‌های پژوهشی و انتشاراتی هند و ایران تقاضا می‌کنم که رساله‌های پُرارزش حزین لاهیجی را بررسی و چاپ کنند تا مردم به‌استفاده از آنها قادر باشند. زیرا نه فقط این سهم مهمی در ادبیات فارسی خواهد داشت بلکه سهم فراوانی نیز برای شاعران و نویسندگان ما خواهد داشت.

منابع

- ۱- رسائل حزین لاهیجی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- شاعری در هجوم منتقدان، دکتر شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵.
- ۳- حزین لاهیجی زندگی و زیباترین غزل‌های او، شفیعی کدکنی، مشهد، ۱۳۴۲.